

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل یکم: بامداد ساسانیان
۵	پارس در سده‌های تاریک
۱۳	خیزش ساسانیان؛ ساسان خودای، بابک شاه و شاپور شاه بابکان
۴۱	اردشیر بابکان
۵۴	اردشیر بابکان و پارتیان ارمنستان
۵۵	اردشیر کینه دارا بازخواهد از اسکندریان
۶۳	همزادی دین و شهریاری
۶۷	شاپور یکم
۶۷	شاپور یکم از ولیعهدی تا شهریاری
۸۰	شاپور در جنگ با گوردیانوس سوم و فیلیپ عرب
۸۴	شاپور در شرق ایران
۸۶	شاپور و پارتیان ارمنستان
۸۸	شاپور و والرینوس؛ یک فاجعه در تاریخ روم
۹۴	یک گزارش گزافه‌آلود رومی
۹۸	شاپور و دین؛ «آتش‌های بهرام نشانده‌ایم»
۱۰۳	دخمه شاپور
۱۰۶	فصل دوم: ستیزه‌ها برای پادشاهی
۱۰۶	هرمزد یکم
۱۰۶	ولیعهدی هرمزد؛ گزارش‌ها و سنگ‌نگاره‌ها
۱۱۵	هرمزد، بزرگ شاه ارمنستان
۱۱۷	هرمزد؛ کردیر و مانی
۱۲۰	هرمزد یکم؛ شاهنشاه ایران و انیران
۱۲۳	بهرام یکم
۱۲۳	بهرام یکم؛ تبارنامه، سنگ‌نگاره‌ها و سکه‌ها
۱۲۷	مرگ مانی؛ ستیزه زردشتیان و مانویان
۱۳۳	بهرام دوم

صفحه	عنوان
۱۳۳	سکه‌ها، شاپور دختگ و ولیعهدی بهرام دوّم
۱۳۸	شورش هرمزد، بزرگ شاهنشاه کوشان
۱۳۹	ساسانیان در جنگ با امپراتوری روم
۱۴۵	پادشاه در خانواده؛ بهرام دوّم، شاپور دختگ و بهرام سگانشاه
۱۴۶	بهرام دوّم، موبد کردیر و رسمیت یافتن دین زردشتی
۱۵۰	بهرام سوم
۱۵۴	نرسه
۱۵۴	شاهزادگی نرسه، سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌ها
۱۵۶	جنگ خانگی در ایرانشهر؛ ستیزه نرسه و بهرام سگانشاه
۱۶۴	ادیان ایرانی در دوره نرسه ساسانی
۱۶۷	نرسه در جنگ با روم؛ پیروزی‌ها و شکست‌ها
۱۷۵	هرمزد دوّم
۱۸۲	فصل سوم: هفتاد سال در اوج
۱۸۲	شاپور دوّم
۱۸۲	پادشاه در گهواره!
۱۹۰	شاپور ذوالاکتاف؛ جنگ‌های شاپور با عرب‌های خلیج فارس
۱۹۴	تا رود استریمون؛ جنگ‌های شاپور دوّم با امپراتوری روم
۱۹۹	شاپور دوّم و ارمنستان
۲۰۶	شاپور دوّم؛ مسیحیان و یهودیان
۲۱۲	«در دین کوشا تر خواهیم بود»
۲۱۵	شاپور؛ «برادر خورشید و ماه»
۲۱۹	فصل چهارم: یک میان پرده
۲۱۹	اردشیر دوّم
۲۱۹	اردشیر دوم؛ برادر یا پسر؟
۲۲۴	یک سنگ‌نگاره در طاق بستان؛ اردشیر و اهوره‌مزدا
۲۲۵	اردشیر دوم؛ نیکو کار یا ستمگر؟
۲۲۷	شاپور سوم
۲۳۰	ساسانیان، روم شرقی و دو ارمنستان
۲۳۱	مرگ در خیمه‌گاه
۲۳۳	بهرام چهارم
۲۳۸	یزدگرد یکم
۲۴۰	یزدگرد و امپراتوری روم
۲۴۱	چهره مسیحی یزدگرد؛ پادشاه پیروزمند و نیک و بخشاینده

صفحه	عنوان
۲۵۲	یزدگرد، دوست یهودیان و یک کوروش دیگر
۲۵۳	یزدگرد و زردشتیان؛ پادشاه گناهکار، خشن و فریبنده
۲۵۹	مرگ یزدگرد؛ آمیختگی تاریخ و افسانه
۲۶۴	بهرام گور
۲۶۴	پرورش بهرام گور در حیره
۲۶۹	بهرام و مرده‌ریگ پدر
۲۷۶	بهرام در شرق؛ جنگ با هیتالیان
۲۷۸	بهرام گور، مسیحیان و جنگ با روم
۲۸۱	بهرام گور و ارمنستان
۲۸۴	مسیحیان و یهودیان در دوره بهرام گور
۲۸۵	بهرام گور؛ پادشاه تاریخ و افسانه‌ها
۲۸۹	یزدگرد دوم
۲۸۹	یزدگرد دوم در همدلی با بزرگان ایران
۲۹۲	یزدگرد دوم در ستیز و سازش با روم
۲۹۳	یزدگرد دوم و جنگ در شرق
۲۹۴	یزدگرد دوم و ارمنستان؛ جنگ برای دین
۳۰۱	یزدگرد دوم و دنیای کیانیان
۳۰۲	ستیزه دو برادر؛ هرمزد سوم و پیروز
۳۰۹	پیروز
۳۰۹	خشکسالی بزرگ و آنگاه جشن!
۳۱۲	پیروز در شرق؛ جنگ و صلح با هیتالیان
۳۱۷	فاجعه در تاریخ ساسانیان
۳۱۹	افسانه‌ای برای غرور ایرانی
۳۲۱	جنگ در ارمنستان و گرجستان
۳۲۳	پیروز و یهودیان ایران
۳۲۴	مسیحیت ایرانی؛ ساسانیان و مسیحیان نستوری
۳۳۰	بلاش
۳۳۰	شاه‌گزینان در تیسفون
۳۳۳	بلاش و شورشیان ارمنستان
۳۳۵	بلاش نیکوکار
۳۳۷	فصل پنجم: دوره زرّین ساسانیان
۳۳۷	قباد یکم
۳۳۷	قباد و شاه‌گزینان تیسفون
۳۴۲	باد سوخرا فرو خوابید

صفحه	عنوان
۳۴۵	یک میان پرده؛ پادشاهی جاماسب
۳۴۹	قباد یکم در جنگ با روم؛ پیروزی‌ها و شکست‌ها
۳۶۳	قباد و گزینش شاهزاده خسرو به ولیعهدی
۳۶۸	پادشاه روزهای سخت
۳۷۱	خسرو انوشیروان
۳۷۱	خسرو انوشیروان و شورش برادران؛ کاووس و جم
۳۷۳	زور آزمایی با بزرگان
۳۷۴	پیدایش اشرافیت تازه ایرانی
۳۷۵	خسرو انوشیروان در هم‌وردی با روم
۳۸۳	خسرو انوشیروان، هپتالیان و ترکان
۳۸۶	دوباره جنگ با روم
۳۸۸	شورش انوشک‌زاد
۳۹۰	آزادگان در یمن
۳۹۶	خسرو انوشیروان و سرزمین‌های عربی
۳۹۷	بردباری دینی خسرو انوشیروان
۳۹۸	پادشاه انوشک‌روان
۴۰۳	شاه - فیلسوف افلاطونی
۴۱۱	فصل ششم: آخرین اوج
۴۱۱	هرمزد چهارم
۴۱۱	شاهزاده ترک‌زاده، جانشین خسرو انوشیروان
۴۱۵	هرمزد چهارم؛ دادگر یا ستمگر؟
۴۲۴	هرمزد چهارم در جنگ با روم؛ پیروزی‌ها و شکست‌ها
۴۲۹	شورش بهرام چوبین؛ زمینه‌ها و پیامدها
۴۳۸	شامگاه فرمانروایی هرمزد چهارم
۴۴۱	شاهزاده خسرو و کوشش برای فرمانروایی
۴۴۷	بهرام چوبین؛ پادشاه ایرانیان
۴۴۹	امپراتوری روم و جنگ خانگی ایرانیان
۴۵۲	مرگ بهرام چوبین؛ کارنامه او
۴۵۹	خسرو پرویز؛ شهریار ترسا در تسفون
۴۶۲	خسرو پرویز و کُشندگان پدر
۴۶۶	سیاست عربی خسرو پرویز
۴۷۳	خسرو پرویز در جنگ با امپراتوری روم؛ شکست‌ها و پیروزی‌ها
۴۸۲	مرگ خسرو پرویز
۴۹۵	خسرو پرویز و مسیحیان ایران
۴۹۹	آن من خُدای ابر ماند کامگاران

صفحه	عنوان
۵۰۷	فصل هفتم: پایان تاریخ
۵۰۷	شیرویه / قباد دوّم
۵۰۷	آشوب در جهان!
۵۱۰	قباد دوّم و هراکلیوس
۵۱۲	پادشاه برادرکش!
۵۱۵	شیرویه و شیرین پدر!
۵۱۶	طاغون شیرویه المَلِک
۵۱۸	اردشیر سوم
۵۱۸	پادشاه خردسال در تیسفون
۵۲۱	شورش شهروراز؛ زمینه‌ها و پیامدها
۵۳۳	جوانشیر
۵۳۴	شاه‌بانو بوران
۵۳۴	یک شاه‌بانو در نبود مردان
۵۳۸	بوران «آرینده تخمه ایزدان»
۵۴۰	شاه بانو بوران و هراکلیوس
۵۴۲	خسرو پسر قباد
۵۴۴	پیروز گشنسب‌ده
۵۴۸	آزمیدخت
۵۵۳	خسرو پسر مهر گشنسب
۵۵۳	خُرزاد خسرو / فُرْخزاد خسرو
۵۵۶	خسرو سوم
۵۵۷	هرمزد پنجم
۵۵۹	آخرین شاه
۵۵۹	شاهزاده بدشگون!
۵۶۰	یزدگرد سوم در آتشکده اردشیر بابکان
۵۶۴	پادشاه خانه به دوش
۵۶۷	تازش جنگجویان بیابان
۵۷۴	مرگ رستم و فتح قادسیه
۵۷۸	عرب‌ها در راه تیسفون
۵۷۹	فَتْحُ الْفُتُوحِ عَرَب
۵۸۱	مرگ آخرین پادشاه
۵۸۳	فرزندان یزدگرد در چین
۵۸۶	و یک آرزو؛ «بازگشت بهرام ورجاوند»
۵۸۸	تصاویر
۶۱۱	منابع و مآخذ

پیشکش به

روان مینوی زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

به پاس پژوهش‌های ارزنده و عشق او به فرهنگ و تمدن ایران بزرگ

مقدمه

خیزش ساسانیان در استان پارس و کشته شدن اردوان چهارم ۲۱۳-۲۲۴ م. آخرین پادشاه پارتیان در نبرد هرمزدگان و آنگاه گشوده شدن دروازه‌های تیسفون، پایتخت کهنسال پارتیان به دست جنگاوران اردشیر بابکان ۲۲۴-۲۴۱ م. آغاز دوره تازه‌ای در تاریخ باستانی ایران بود. ورود به تیسفون، اگرچه پایان تاریخ پارتیان بود، هیچ‌گاه نقطه پایان آرزوهای دور و دراز اردشیر بابکان نبود. او با کوششی پهلوانانه و خستگی‌ناپذیر، گستره‌ای جغرافیایی را به چنگ آورد که آن را «ایران» می‌خواند و پادشاهی ایران را هم حق قانونی و نیاکانی خود می‌دید. اردشیر می‌خواست کین دارا بازجوید از اسکندرین و همه سرزمین‌های ایرانی دوره هخامنشیان را دوباره به ایرانیان بازگرداند. در چشم اردشیر، همه این سرزمین‌ها در غرب تا مرز ایونیه و کاریه، مرده‌ریگ نیاکان او بودند و چون پیش از اسکندر مقدونی و از روزگار کوروش بزرگ، این سرزمین‌ها در دست ساتراپ‌های ایرانی بوده‌اند، روم باید همه آنها را به ایرانیان واگذار می‌کرد. این اندیشه ایران‌گرایانه اردشیر بابکان، با دیدگاه امپراتوران رومی سخت ناسازگار بود، چه آنها گهگاه خود را اسکندری دیگر و یا حتی بزرگ‌تر از او می‌انگاشتند و می‌خواستند فرمانروایان همه جهان شناخته شده آن روزگار باشند.

تاریخ ساسانیان، گزارش نزدیک به پنج سده، اقدامات ساسانیان در نگهبانی از ایران و فرهنگ ایرانی است. ساسانیان همچون پیشینیان پارتی خود، در غرب با زیاده‌خواهیهای گستاخانه امپراتوری بزرگ روم جنگیدند تا نام ایران و ایرانی در تاریخ شرق نزدیک درازای تاریخ پاینده باشد. به گواه تاریخ، بزرگ‌ترین شکست‌های جنگی در تاریخ امپراتوری روم که رومی‌ها بسیار کوشیده‌اند تا درباره آنها چیزی به جهانیان نگویند و حتی گهگاه آنها را وارونه بازگو کرده‌اند، در جنگ با ساسانیان رخ داده‌اند. با وجود همه جنگ‌ها و ستیزه‌ها، البته دو امپراتوری بزرگ ایران و روم، پیوندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تنگاتنگی با یکدیگر داشتند و خود را همچون دو چشم درخشان جهان

می‌دیدند. ساسانیان در رویارویی با یورش‌های دیگر همسایگان ستیزه‌گر ایران هم نگاهانانی سخت کوشا بودند. آنها در این امر پادشاهانی در مانده و بیکاره نبودند و گزارش‌های تاریخی گواه‌اند که چگونه جنگجویان ایرانی عمدتاً همراه با پادشاه در نبرد با همه آنهايي که در خیال گشودن ایران بودند سخت دلاورانه جنگیده‌اند.

اردشیر بابکان و جانشینان او، اگرچه زردشتی بودند و دین و شهریاری را دو همزاد همیشگی می‌انگاشتند و البته می‌خواستند دین و شهریاری در وجود خود پادشاه تجسم یابد، به‌طور کلی با پیروان دیگر ادیان ایران‌شهر بردبار و شکیب بودند و برای نگهداری شاهنشاهی گسترده خود، بردباری دینی را بهتر از پیگرد و آزار نازردشتیان می‌دیدند. اگر هم گهگاه با بدبینی و دشمنی به پاره‌ای از مسیحیان ایران نگریسته می‌شد، عمدتاً از این‌رو بود که آنها دوستدار و هوادار امپراتوری روم به چشم می‌آمدند، چنان‌که از دیدگاه شاپور دوم ۳۰۹-۳۷۹ م. این مسیحیان اگرچه در ایران زندگی می‌کردند، اما دوست سزار روم و دشمن ایرانیان بودند. دوره ساسانیان، روزگار درخشان فرهنگ و تمدن ایرانی هم بود که اوج آن را در دوره فرمانروایی خسرو انوشیروان ۵۳۱-۵۷۹ م. می‌توان دید. در این روزگار که دوره زرین تاریخ ساسانیان بود، ایرانیان گذشته از پرداختن به دانش و فرهنگ ملی خود، به دانش‌ها و میراث تمدنی مردمانی چون هندیان و یونانیان هم علاقه‌مند شدند و کوششی شایسته برای ترجمه کتاب‌ها و نوشته‌های بیگانگان به زبان پهلوی انجام دادند. اگرچه در سده هفتم میلادی، شاهنشاهی ساسانیان پس از یک دوره جنگ خانگی و آشفتگی‌های سیاسی، به دست جنگجویان عرب مسلمان نابود شد، در چند سده نخستین اسلامی هنوز در یاد و حافظه تاریخی ایرانیان و حتی خود عرب‌ها، خاطره درخشانی از ساسانیان همچون یک شاهنشاهی بزرگ وجود داشت. تا بدانجا که ایرانیان مسلمان در عصر طلایی خلافت عباسی، آنان را سرمشق آرمانی الگوی حکمرانی معرفی می‌کردند.

در این کتاب به تاریخ تحولات سیاسی ایران از خیزش ساسانیان در استان پارس تا مرگ یزدگرد سوم ۶۳۲-۶۵۲ م. در مرو خراسان پرداخته شده است. تاریخ سیاسی، شاید اندکی خشک و خستگی‌آور باشد، اما گام نخست در راه شناخت حکومت و جامعه ایران در دوره ساسانیان و تحولات دینی، اقتصادی و فرهنگی این دوره، آگاهی از تاریخ سیاسی ساسانیان خواهد بود. امیدوارم در گزارش تحولات سیاسی ایران دوره ساسانیان، تا اندازه‌ای توانسته باشم چگونگی پیدایش شاهنشاهی ساسانیان، ستیز و سازش‌های آنها با همسایگان ایران و آنگاه نابودی ساسانیان به دست عرب‌های مسلمان را نشان دهم. همچنین

امیدوارم نتیجه این کوشش، علاقه‌مندی دانشجویان و دیگر خوانندگان این کتاب به شناخت بهتر و بیشتر تاریخ ساسانیان و عشق ورزیدن به تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران بزرگ باشد.

در پایان، بایسته می‌دانم که از مدیران و کارکنان سازمان سمت، بسیار سپاسگزاری کنم؛ به ویژه آقای دکتر حسین مفتخری مدیر وقت گروه تاریخ، برای گزینش و پذیرش کتاب‌های دانشگاهی، دوست دانشمندم آقای دکتر زهیر صیامیان دبیر گروه و ویراستار علمی این کتاب، برای همدلی‌ها و تذکر بسیاری نکته‌های ارزنده و موشکافانه، آقای دکتر حسین هاجری، برای بازبینی نهایی متن کتاب، خانم مریم فلاح شجاعی کارشناس گروه برای همکاری‌ها و پیگیری‌های اداری، و خانم میچکا کتاب‌الله‌زاده که تیزبینانه در یافتن اشتباهات تایی کوشیدند و بر انجام همه اصلاحات نظارت کردند.

دکتر شهرام جلیلیان
گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز
تابستان ۱۳۹۶